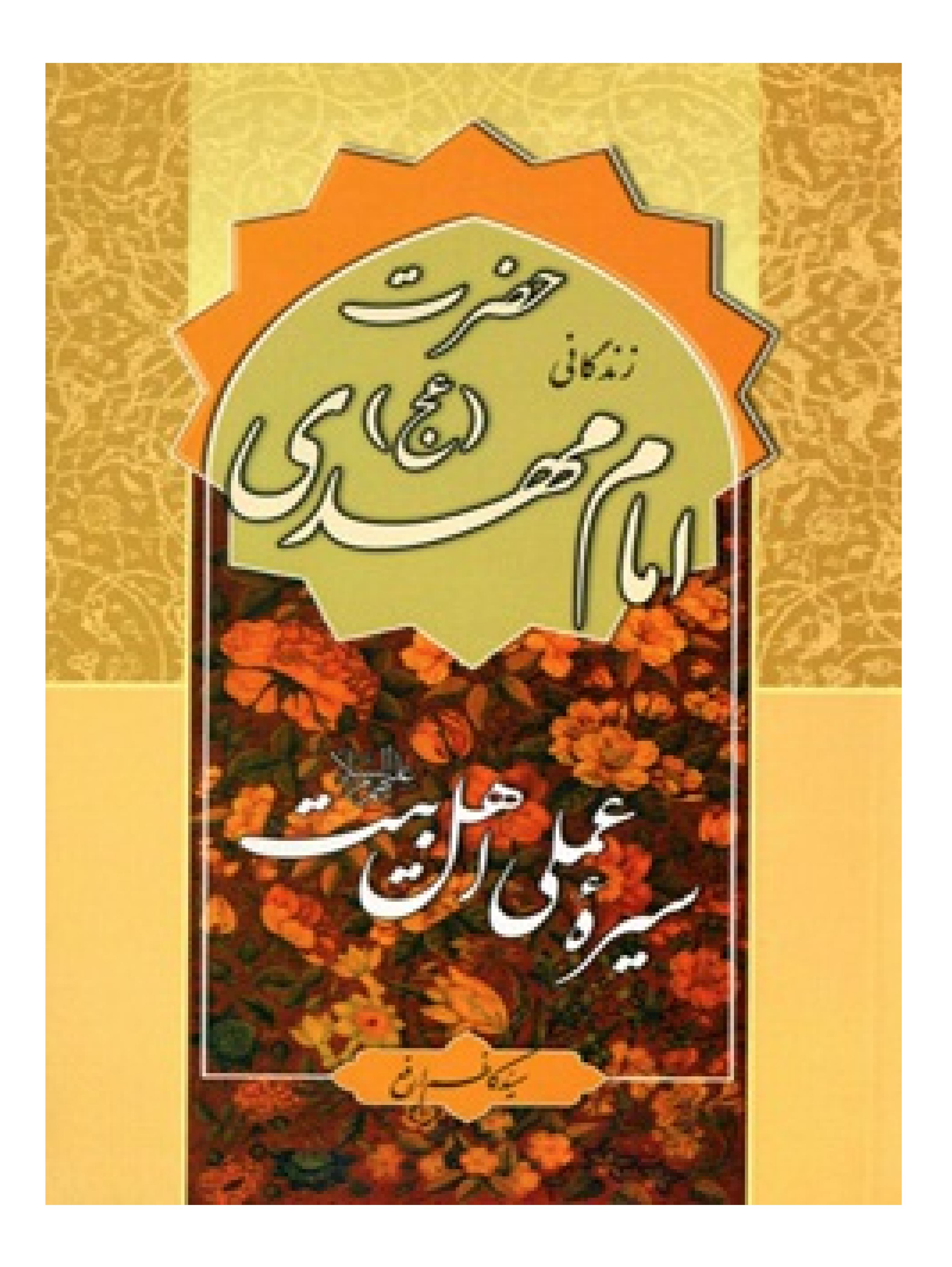

زندگانی
حضرت
امام مهدی (عج)
سیره عملی اهل بیت علیهم السلام
سید کاظم ارفع


بسم الله الرحمن الرحیم

سیره عملی اهل بیت علیهم السلام: حضرت امام مهدی حجه بن الحسن عجل الله فرجه الشریف

نویسنده:

کاظم ارفع

ناشر چاپی:

فیض کاشانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سیره عملی اهلبیت علیهم السلام:حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه : ارفع، سید کاظم، ۱۳۲۳ -

عنوان و نام پدیدآور : حضرت مهدی عج الله تعالی فرجه الشریف/ تالیف کاظم ارفع؛ ویراستار قارونی.

وضعیت ویراست : [ویراست۲].

مشخصات نشر : تهران: فیض کاشانی، ۱۳۷۹.

مشخصات ظاهری : ۵۳ ص.

فروست : سیره عملی اهل بیت(ع)؛ ۱۴.

شابک : ۱۸۰۰ریال : چاپ سوم: ۹۶۴-۴۰۳-۰۰۶-۰ ؛ ۴۰۰۰ ریال (چاپ پنجم) ؛ ۵۰۰۰ ریال (چاپ ششم) ؛ ۷۰۰۰ ریال: چاپ هفتم ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۳-۰۰۶-۲ : ؛ ۷۵۰۰ ریال (چاپ هشتم)

یادداشت : کتاب حاضر قبلا تحت عنوان "امام مهدی حجه بن الحسن(ع)" در سال ۱۳۷۰ منتشر شده است.

یادداشت : چاپ سوم: ۱۳۸۱.

یادداشت : چاپ پنجم و ششم: ۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ هفتم: ۱۳۸۷.

یادداشت : چاپ هشتم: ۱۳۸۹.

یادداشت : بالای عنوان: سیره عملی اهل بیت(ع).

یادداشت : عنوان روی جلد: حضرت امام مهدی(عج).

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : حضرت امام مهدی(عج).

عنوان دیگر : سیره عملی اهلبیت علیهم السلام.

عنوان دیگر : امام مهدی حجه بن الحسن(ع).

موضوع : مهدویت -- انتظار

رده بندی کنگره : BP۵۱/الف۴الف۸ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۹-۱۶۴۰۴

ص: ۱

اشاره

چگونگی ولادت

«اللّهُمَ اکُشف هذه الغَمَه عَن هذه الأمّه یحضوره وَ عَجّل لنا ظهورَهُ إِنَّهُمْ یَرُونَهُ بعیدا و نریه قریباً برحمتک یا ارحم الراحمین»

چگونگی ولادت جمعه پانزدهم شعبان سال دویست و پنجاه و پنج هجری در شهر سامرا حضرت بقیه الله امام عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء چشم به جهان گشود. حکیمه دختر امام محمد تقی علیه السلام نقل می کند که امام حسن عسکری علیه السلام مرا خواست و فرمود: عمّه امشب نیمه شعبان است نزد ما افطار کن که خداوند در این شب فرخنده شخصی را متولد می سازد که حجت او در روی زمین می باشد.

عرض کردم: ما در این فرزند مبارک کیست؟ فرمود: نرجسی.

گفتم: فدایت شوم اثری از حاملگی در این بانوی گرامی ندیدم!

فرمود: برای همین می گویم نزد ما باش، وارد خانه شدم سلام کردم بانوی عالی مقام نرجس خاتون آمد کفش از پای من بیرون آورد و گفت: ای بانوی من شب بخیر! گفتم: بانوی من و خاندان ما تویی! گفت: نه، من کجا و این مقام بزرگ؟ گفتم: دخترجان امشب خداوند پسری به تو عنایت

می فرماید: که سرور دو جهان خواهد بود. تا این کلام از من شنید با کمالی حجب و حیا نشست. پس از اقامهٔ نماز افطار کردم و خوابیدم، سحرگاه برای انجام نماز شب برخاستم. بعد از نماز دیدم نرجس خوابیده و از وضع حمل او خبری نیست. پس از تعقیب نماز دوباره خوابیدم که پس از لحظه ای با اضطراب بیدار شدم دیدم نرجس نیز بیدار است ولی هیچگونه علامتی در وی مشهود نیست.

نزدیک بود که در وعدهٔ امام علیه السلام تردید کنم که ناگهان امام علیه السلام در مکانی که تشریف داشتند با صدای بلند مرا صدا زده فرمودند:

((لا تعجلی یا عمه فان الامر قد قرب))

عمه: تعجیل مکان که وقت نزدیک است!

همینکه صدای مبارک امام حسن عسکری علیه السلام را شنیدم مشغولی خواندن سورهٔ الم سجده و یس شدم. در این موقع نرجس با حال اضطراب از خواب برخاست. من به وی نزدیک شدم و نام خدا را بر زبان جاری کردم و پرسیدم: آیا در خود چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری، گفتم: ناراحت مباش و دل قوی دار، این همان مژده است که به تو دادم. اندکی بعد صاحب الامر سلام الله علیه متولد شد آن ماه پاره را دیدم که مواضع هفتگانه سجده را روی زمین گذاشته و ذکر حق می گوید. او را در آغوش گرفتم در حالی که برخلاف نوزادان دیگر از آلایش ولادت پاک و پاکیزه بود.

در این هنگام امام عسکری علیه السلام : صدا زد: عمه جان! فرزندم را نزد من بیاور، و او را نزد پدر بزرگوارش بردم، او را به سینه چسبانید و زبان در دهانش گذارد و دست بر چشم و گوش او کشید و فرمود: «تکلم یا بنی» فرزندم با من حرف بزن! آن مولود مسعود گفت: «آشهدا ان لا اله الا الله و حده لاشریک له و أشهدُ أنّ محمّدأ رسول الله ثم صلی علی أمیرالمؤمنین علیه السلام وَ عَلی الأئمه إلی

أن وقف علی أبیه ثمّ أحجم

شهادت می دهم به وحدانیت پروردگار و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و اله و سلم، سپس بر امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام درود فرستاد و چون به نام پدرش رسید دیدگان گشود و سلام کرد.

امامت علیه السلام فرمود: عمه جان: او را نزد مادرش ببر تا به او نیز سلام کند و باز نزد من برگردان او را نزد مادرش بردم سلام کرد، مادر نیز جواب سلامش را داد، سپس او را پیش امام حسن عسکری علیه السلام برگردانیدم. (۱) بعضی از اسماء و القاب آن گرامی عبارتند از : بقیه الله ، حجت، خلف صالح، أبوالقاسم، قائم منتظر، مهدی (م ح م د) ناگفته نماند که نام د) بنا بر فتوای شیخ انصاری مکروه، شیخ طوسی حرام و حاجی نوری ذکر آن در مجالس و محافل حرام است.(۲)

شکل و شمایل امام علیه السلام

وجود نازنین امام زمان علیه السلام شبیه ترین مردم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله است هم از جهت شکل و شمایل و هم از جهت خوی و اخلاق. صورت مبارکش سفید که سرخی بر آن آمیخته، پیشانی نازنینش بلند و سفید و تابان است، ابروانش بهم پیوسته، نور رخسارش چنان درخشان است که بر سیاهی محاسن شریف و سر مبارکش، مستولی شده، بر قسمت راست صورتش خالی است که پنداری ستاره ای است درخشان، میان دندانهایش گشاده و چشمانش سیاه و سرمه گون است، المهدی طاوس اهل الجنه وجهه کالقمر الدری علیه جلابیب النور، حضرت مهدی علیه السلام طاوس اهل بهشت است چهره اش چون ماه درخشنده است، بر بدن مبارکش جامه های نور است. قامتش معتدل و موزون است که هیچ

۱- بحار،ج ۵۱، ص ۲.

۲- نجم الثاقب،ص ۴۸.

چشمی هیئتی به آن اعتدال و تناسب ندیده است. اللهم ارنی الطلعه الرشیده و الغره الحمیده و اکحل ناظری بنظره منی الیه آیت الله شیخ محمد حسین غروی رضوان الله تعالی علیه می فرماید: (تبارک الله از آن طلعت چون ماه و تعالی - نه ما را است چنین غره و نه این قد و بالاـ) (ندیده در افق اعتدال دیده گردون - کوجهه قمرا او کحاجبیه کمالا) (زند عقیق لبش طعنه ها بلعل بدخشان - سبق برد در دندان او ز لولو لالا) (هزار خسرو و پرویز را دل است چو فرهاد - ز شور صحبت شیرین آن شهنشه والا) (بخنجر مژه و تیر غمزه ام مزن ای جان - که خسته ام من و بیجان، و لا اطیق قتالا) (ز رنج عشق تو رنجورم آن چنان که تو دانی - که گر بجانب من بنگری رایت خیالا) (ببانگک دیو طبیعت چنان ز راه شدم دور - که گر تو دست نگیری لقد ظللت ضلالا) (ذلیل و مفتقرم ای عزیز مصر حقیقت - بده نجاتم از این پستی و ببر سوی بالا)

سیره عملی امام علیه السلام

احمد بن اسحاق که از بزرگان شیعه و پیروان ویژه امام حسن عسکری علیه السلام است می گوید: خدمت امام عسکری علیه السلام شرفیاب شدم، و می خواستم در مورد جانشین پس از او سوال کنم، و آن گرامی بدون آن که سوال کنم فرمود: ای

احمـد، همانا خـدای متعال از آن هنگام که آدم. را آفریـد زمین را از حجت خـدا خالی نگذاشـته و نیز تا قیامت خالی نخواهد گذاشت، به جهت حجت خدا از اهل زمین رفع بلا می شود و باران می بارد و برکات زمین خارج می گردد. عرض کردم: ای پسـر رسول خدا، امام و جانشـین پس از شـما کیست؟ آن حضـرت با شتاب به درون خانه رفت و بازگشت در حالی که پسری سه ساله که رویی همانند ماه تمام داشت بر دوش خویش حمل می کرد و فرمود: ای احمد بن اسـحاق، اگر نزد خدای متعال و حجتهای او گرامی نبودی این پسر را به تو نشان نمی دادم،

همانا او همنام رسول خدا و هم کنیه اوست، او کسی است که زمین را از عدل و داد پر می سازد همچنان که از ظلم و جور پر شده باشد. ای احمد بن اسـحاق مثل او در این امت مثل خضـر علیه السلام و ذوالقرنین است، سوگند به خدا غایب می شود به طوری که در زمان غیبت او از هلاکت نجات نمی یابد مگر کسـی که خداوند او را بر اعتراف به امامت وی ثابت قدم بدارد و موفق سازد که برای تعجیل فرج او دعا کنـد. عرض کردم: سـرور من، آیا نشانه ای دارد که دل من به آن اطمینان بیشتری پیـدا کند؟ در این هنگام آن پسر به عربی فصیح فرمود: منم بقیه الله در زمین، همان که از دشمنان خدا انتقام می گیرد، ای احمد بن اسـحاق پس از مشاهـد عینی دنبال اثر نگرد! (۱) ابونعیم انصاری می گویـد: با سـی نفر در مکه معظمه حضور داشـتم، در میان آن جمع محمـد بن قـاسم علوی از اخلاص بیشتری برخوردار بود. روز شـشم ذی الحجه سال ۲۹۳ هجری بود که ناگاه جوانی که دو حوله

۱- اکمال الدین، ج ۲، ص ۵۵.

احرام پوشیده و نعلین خود را در دست گرفته بود به جمع ما وارد شد. هنگامی که چشم ما به جمالش افتاد چنان تحت تاثیر جلالت و عظمتش قرار گرفتیم که همگی یکجا برخاستیم و آن گرامی به ما سلام کرد و در وسط گروه ما نشست و ما نیز در اطراف او نشستیم.

آن گاه به سمت راست و چپ خود نگریست و فرمود: آیا می دانید حضرت اباعبدالله علیه السلام در دعای الحاح چه می گفت؟ گفتیم: چه فرمود؟ فرمود: چنین می گفت: اللهم انی اسئلک باسمک الذی تقوم به السماء به تقوم الارض و به تفرق بین الحق و الباطل و به تجمع بین المجتمع و به احصیت عدد الرمال و زنه الجبال و کیل البحار ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری فرجا. خدایا: تو را می خوانم، به آن نامت که آسمان و زمین را بپای می داری، و حق و باطل را از هم جدا می کنی، و پراکندگان را جمع و جمع را پراکنده می سازی، و عدد ریگ های بیابان و وزن کوهها و پیمانه دریاها را می شماری، بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج مرا نزدیک گردان! سپس برخاست و مشغول طواف شد ما هم با وی برخاستیم و تا او رفت و ما فراموش کردیم که دربار او گفتگو کنیم و از هم بپرسیم که او کی بود. فردا در همان وقت نیز از طواف فراغت یافت و به نزد ما آمد و همانند روز گذشته ما به احترامش برخاستیم و او را هم در وسط گرفته و دور او نشستیم. دوباره مثل روز گذشته به سمت راست و چپ خود نگریست و فرمود: آیا می دانید امیرالمومنین علیه السلام بعد از هر نماز واجب چه دعایی را می خواند؟ پرسیدیم چه دعایی را می خواند؟ آن بزرگوار دعا را خواند و بعد دعایی را که علی علیه السلام در سجده شکر و علی بن الحسین علیه السلام در زیر ناودان کنار بیت می خواندند بیان فرمود و در بین ما نگاهی به محمد بن قاسم کرد و فرمود: ای محمد بن قاسم تو به راه خیر می روی ان شاء الله و

برخاست و داخل در طواف شد و ما همگی این دعاها را حفظ کردیم ولی هیچ کدام بیاد نیاوردیم که راجع به آن عزیز صحبت کنیم جز اینکه در روز آخر یکی از حضار به نام ابوعلی محمودی به ما گفت ای آقایان آیا این شخص را می شناسید، به خدا قسم او صاحب الزمان شماست! پرسیدیم از کجا دانستی که امام زمان علیه السلام است؟ ابوعلی توضیح داد که هفت سال تضرع و زاری می کردم و از خداوند می خواستم که حضرت صاحب الزمان علیه السلام را زیارت کنم، تا اینکه عصر روز عرفه دیدم همین بزرگوار آمد و همین دعایی را که شنیدید خواند، من از او پرسیدم: شما کیستید او فرمود: از مردم هستم، گفتم از کدام تیره مردم؟ فرمود: از عرب، گفتم از کدام تیره عرب؟ فرمود: از بنی هاشم. گفتم: از کدام گروه بنی هاشم؟ فرمود: از آن گروه که بزرگ آنها سر دشمن را می شکافت و به مردم طعام می داد و در آن هنگام که مردم در خواب بودند به نماز می ایستاد. دانستم که او علوی است ولی ناگهان ناپدید گشت و نفهمیدم کجا رفت. از مردمی که در اطراف او بودند پرسیدم آیا این شخص را شناختید؟ گفتند: آری، هر سال پیاده با ما به حج می آید گفتم: سبحان الله به خدا قسم اثر پیاده روی در وی ندیدم. از عرفات به مزدلفه رفتم در حالی که از فراق او غمگین و افسرده بودم، وقتی به خواب رفتم در عالم رویا رسول الله صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود: آیا مطلوب خود را دیدی؟ گفتم: آقا، او کیست؟ فرمود: همان کسی که دیروز عصر دیدی امام زمان تو بود. ابونعیم انصاری راوی این داستان می گوید: وقتی این مطالب را از بوعلی شنیدیم او را سرزنش کردیم که چرا بموقع ما را مطلع نساختی؟! گفت: من هم فراموش کردم. (۱)

۱- بحار،ج ۵۲، ص ۶.

در شهر نجف کارگر حمامی بود که پدر پیری داشت و نسبت به خدمتگزاری او هیچ گونه کوتاهی نمی کرد تا آنجا که برای او آب در مستراح می برد و منتظر می شد تا خارج شود و به مکانش برساند. آری پیوسته ملازم خدمت او بود مگر در شب چهارشنبه که به مسجد سهله می رفت و در آن شب به واسطه اعمال مسجد سهله و شب زنده داری در آنجا از خدمت معذور بود. ولی پس از مدتی ترک کرد و دیگر به آنجا نرفت. از او پرسیدند چرا رفتن به مسجد سهله را ترک کردی؟ گفت: چهل شب چهارشنبه به آنجا رفتم، شب چهارشنبه چهلم رفتم به تاخیر افتاد تا نزدیک غروب، در آن موقع تک و تنها بیرون رفتم و با همان وضع به سیر خود ادامه دادم تا یک سوم راه باقی ماند، کم کم ماهتاب مقداری از تاریکی شب را به روشنایی تبدیل کرد. در این هنگام شخص عربی را دیدم بر اسبی سوار است و به طرف من می آید و در دل خود گفتم الان این مرد راهزن مرا برهنه می کند، همین که به من رسید با زبان عرب بدوی شروع به صحبت کرد، پرسید کجا می روی؟ گفتم مسجد سهله، فرمود: با تو چیز خوردنی هست؟ جواب دادم نه، فرمود: دست خود را در جیب کن، گفتم: در آن چیزی نیست باز آن سخن را با تندی تکرار کرد. من دست در جیب کردم مقداری کشمش یافتم که برای کودک خود خریده بودم و از خاطرم رفته بود به او بدهم. آن گاه به من فرمود: اوصیک بالعود سه مرتبه این عبارت را تکرار کرد (عود به زبان عرب بدوی پدر پیر را می گویند) بعد از این سخن ناگهان از نظرم ناپدید شد. فهمیدم که او حضرت مهدی علیه السلام بود و دانستم که آن گرامی راضی نیست ترک خدمت پدرم را حتی در شبهای چهارشنبه

بنمـایم. از این جهت دیگر به مسـجد سـهله نرفتم و این کـار را ترک نمـودم. (۱)ابونصـر طریف می گویـد: به خدمت صاحب الزمان علیه السلام رسیدم. فرمود: ای طریف قدری صندل سرخ برای من بیاورد صندل نام درختی است که در هند می روید و بوی خوشـی دارد، شاید مقصود امام علیه السـلام عطری بوده که از آن می گرفته اند). وقتی آن را حاضر کردم فرمود: مرا می شناسـی؟ عرض کردم: آری، فرمود: من کیسـتم؟ عرض کردم، شـما آقا و پسـر آقای من هستیـد، فرمود: مقصودم سوال از این نبود، طریف گفت: فـدایت شوم پس بفرما تا خشـنود گردم، فرمود: من خاتم اوصـیاء هسـتم که خداوند گرفتاریها را به وسـیله من از بسـتگان و شیعیانم برطرف می کند. (۲) ابراهیم بن مهزیار می گویـد: به مـدینه رفتم تا درباره اولاد امام حسن عسـکری علیه السـلام تحقیقـاتی نمایم ولی در مـدینه چیزی دسـتگیرم نشـد. آن گاه به مکه رفتم تا مگر در آنجا اطلاعی بـدست آورم. روزی در هنگـام طواف جوانی زیبـا روی بنظرم آمـد که او نیز به من نگـاه می کرد. من به آرزوی اینکه شایـد مقصود خود را یـافته بـاشم به طرف او رفتم و سـلام کردم و جواب سـلام بهتر شـنیدم. آن گرامی پرسـید: اهل کجایی؟ گفتم اهواز. فرمود: از دیدنت خوشـحالم. آیا در اهواز جعفر بن حمدان خصـیبی را می شناسی؟ گفتم: او ندای حق را لبیک گفت. فرمود: خدا او را رحمت کنـد شـبهای درازی را به عبـادت گذرانیـد و خداونـد پـاداش فراوان به او عنایت نمود، سـپس فرمود: مرحبا به تو، آن علامتی که از امام حسن عسـکری علیه السـلام که در اختیار تو بود چه کردی؟ عرض کردم: شاید منظور شـما انگشتری باشـد که امام عسکری

۱- منتهی الامال، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲- مهدی موعود، ص ۴۹۸.

به من لطف فرمود؟! فرمود: آری مقصودم همان است. وقتی آن را بیرون آوردم و نظرش به آن افتاد از دست من گرفت و بوسید و سپس نقش آن را که نوشته بود یا الله یا محمد یا علی خواند. آن گاه فرمود: قربان پدرم گردم! که جواب مسائل بسیاری را برای امروز که به آن احتیاج دارم از وی گرفتم و همه نوع احادیث و اخبار از او استفاده نمودم. تا آنجا که فرمود: مطلب مهمی را که بعد از سفر حج قصد کرده ای به من اطلاع بده، گفتم: آنچه در نظر داشتم هم اکنون به تو می گویم. گفت: هر چه می خواهی بپرس تا به خواست خدا برایت شرح دهم. گفتم: آیا از اولاد امام حسن عسکری صلوات الله علیه خبری داری؟ گفت: آری و الله، ماموریت من برای آمدن به سراغ تو از ناحیه آن بزرگواران است و اگر دوست داری به شرف ملاقات آنها نائل شوی با من به شهر طائف بیا ولی این سفر را از دوستانت مخفی بدار! ابراهیم بن مهزیار می گوید: با وی به طائف رفتم، از ریگستانی گذشته از دور چادری دیدیم که بر سینه تل ریگی سر پا بود. او نخست به درون چادر رفت تا برای ورود اجازه بگیرد، پس به آنها سلام کرد و اطلاع داد که من بیرون منتظرم. یکی از آنها که در میان چادر بودند و بزرگتر بود و نامش (م ح م د) بود بیرون آمد. رنگ صورتش باز، پیشانی اش روشن، بر گونه راستش خالی مانند پاره مشکی بر سفیدی نقره نمایان بود و موی سر مبارکش نتابیده تا نزدیک گوشش می رسید، قیافه نورانی او را هیچ چشمی ندیده و زیبایی و وقار و حجب و حیای بی نظیرش را نمی توان توصیف کرد. همین که نظرم به او افتاد بی اختیار به سویش شتافتم و دست و پایش را بوسیدم. فرمود: خوش آمدی، رابطه قلبی میان من و تو برقرار است با وجود دوری منزل و تاخیر ملاقات تو را در نظر داشتم خدا را شکر که

ملاقات ما صورت گرفت و از انتظار و فراق ما را بیرون آورد. امام علیه السلام از تمام برادران گذشته و حال من پرسید، عرض کردم، پدر و مادرم فدای شما من از هنگام مرگ و شهادت مولا یم امام حسن عسکری تا کنون همواره شهر به شهر در جستجوی شما هستم و همه جا درهای امید به رویم بسته می شد تا اینکه خدا بر من منت نهاد و کسی آمد و مرا به خدمت شما آورد. خدا را شکر می کنم که بزرگواری و احسان حضرتت را به من الهام نمود. سپس آن گرامی مرا به گوشه خلوتی برد و فرمود: پدرم با من پیمان بست که جز در پنهان ترین و دورترین نقاط زمین مسکن نکنم تا اسرار وجودم مخفی شود و از نقشه های گمراهان محفوظ بمانم و از خطرات مردم بد اندیش در امان باشم. از اینرو بیابان های خشک و ریگزار را می پیمایم و منتظر روز قیام خود می باشم که فریاد مردم روی زمین از هر سو بلند است. پدرم صلوات الله علیه از حکمت های پنهانی و علوم مکتوم چیزهایی به من آموخت که اگر شمه ای را به تو بگویم تو را بی نیاز گرداند. پدرم صلوات الله علیه فرمود: یا بنی ان الله جل ثناوه لم یکن لیخلی اطباق ارضه و اهل الجد فی طاعته و عبادته، بلا حجه یستعلی بها و امام یوتم به. فرزندم خداوند تبارک و تعالی تمام طبقات زمین و آنها را که سعی در عبادت و اطاعت او دارند بدون حجتی که مقام آنها را بالا برد و بدون امامی که مردم به وی اقتد نمایند و به روش وی روند خالی نمی گذارد ای فرزند: امیدوارم تو از کسانی باشی که خداوند آنها را برای نشر حق و بر چیدن اساس باطل و اعتلای دین و خاموش ساختن آتش گمراهی آماده ساخته است.

ص: ۱۵

ای فرزندم همیشه در مکانهای پنهان و دور مسکن بنما زیرا که هر یک از دوستان خدا دشمنی زننده و مخالفی مزاحم دارند... و اعلم ان قلوب اهل الطاعه و الاخلاص نزع الیک مثل الطیر اذا امت او کارها پسرم بدان که دلهای مردم دیندار و با اخلاص مانند پرندگان که میل به آشیان دارند مشتاق لقای تو می باشد... مهزیار می گوید: مدتی در خدمت حضرت توقف نمودم و از آن حضرت حقایق روشن و احکام نورانی و لطائف و حکمت و نکات ممتازی که خداوند در سینه گهربارش نهاده بود استفاده نمودم و با حضرت خدا حافظی نمودم در حالی که خدا را سپاسگزارم .

(۱) چند نفر از شیعیان بحرین باهم قرار گذاشتند هر یک به نوبت دیگران را میهمانی کنند، بر این قرار عمل کردند تا نوبت به مردی تنگدست رسید چون برای میهمانی دوستان خود وسیله ای در اختیار نداشت بسیار اندوهگین شد و از افسردگی از شهر خارج شده روی به صحرا آورد تا شاید کمی اندوهش برطرف شود. در این بین شخصی پیش او آمد و گفت: در شهر به فلان تاجر بگو آن دوازده اشرفی را که برای ما نذر کرده بودی بده، پول را از او می گیری و صرف میهمانی خود می کنی! آن مرد پیش تاجر رفت و پیغام را رساند تاجر گفت: این حرف را به تو فرموده آیا او را شناختی پاسخ داد نه گفت: او صاحب الزمان علیه السلام بود، من این مبلغ را برای آن جناب نذر کرده بودم، مرد بحرینی را بسیار احترام کرد و وجه را پرداخت، خواهش کرد که چون آن بزرگوار نذر مرا پذیرفته نصف این اشرفیها را به من بده معادل آن از پولهای دیگر می دهم تا به عنوان تبرک داشته باشم بحرینی بدین وسیله از عهده میهمانی

۱- بحار،ج ۵۲، ص ۳۲.

دوستان خود بر آمد. [1] ابوالحسین بن ابی البغل می گوید: از طرف ابومنصور صالحان حاکم وقت کاری به من واگذار شده بود و بین من و او به واسطه آن کار تیره شد تا آنجا که من مجبور شدم خود را پنهان کنم. ابومنصور پیوسته مرا جستجو می کرد و من مدتی هراسان و سرگردان در اختفا بسر می بردم. در یک شب جمعه تصمیم گرفتم به حرم مطهر موسی بن جعفر و امام جواد علیهما السلام بروم تا شاید خداوند گشایشی عنایت کند، باران می آمد و باد می وزید، شب تاریکی بود وارد حرم شدم از ابوجعفر متصدی حرم خواهش کردم درها را ببندد و کوشش کند کسی وارد نشود تا با خاطری آسوده و حضور قلب عرض نیاز و دعا کنم، در ضمن از گرفتار شدن به دست اشخاص که در جستجویم بودند ایمن باشم. او پذیرفت و درهای حرم را بست. شب به نیمه رسید باد و باران آن قدر زیاد بود که رفت و آمد مردم را قطع نمود. من با دلی آکنده از اندوه و چشمی گریان دعا می کردم و زیارت می نمودم در این لحظه یکباره متوجه صدای پایی از طرف قبر مطهر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شدم وقتی نگاه کردم شخصی را دیدم که مشغول زیارت است، بر آدم و پیامبران اولوالعزم سلام داد، امامان علیهم السلام را نیز سلام داد تا به حضرت حجت امام زمان علیه السلام رسید چیزی نگفت، شگفت زده شدم ولی پیش خود گفتم ممکن است نام شریف آن گرامی را فراموش کرده باشد. زیارتش تمام شد دو رکعت نماز خواند و بعد به طرف مرقد مطهر امام جواد علیه السلام آمد و همانند سلام و زیارت او باز تکرار کرد و دو رکعت نماز خواند ولی من چون او را نمی شناختم ترس مرا فرا گرفت.

۱- نجم الثاقب، ص ۳۰۶.

دیدم جوانی است کامل، لباس سفیدی پوشیده و عمامه ای بر سربسته و ردایی نیز بر دوش دارد. این بار که زیارتش تمام شد به سوی من آمد و فرمود: ابوالحسین بن ابی البغل این انت من دعاء الفرج اگر گرفتاری چرا دعای فرج را نمی دانی؟! پرسیدم آن دعا چگونه است؟ فرمود: دو رکعت نماز می خوانی آن گاه این دعا را تلاوت می کنی: یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یواخذ بالجریره و لم یهتک الستر یا عظیم المن یا کریم الصفح یا حسن التجاوز و یا واسع المغفره یا باسط الیدین بالعطیه یا منتهی کل نجوی و یا غایه کل شکوی یا عون کل مستعین و یا مبتدئا بالنعم قبل استحقاقها یا رباه ده مرتبه یا غایه رغبتاه ده مرتبه اسلک بحق هذه الاسماء و بحق محمد و آله الطاهرین (علیهم السلام) الا ما کشفت کربی و نفست همی و فرجت غمی و اصلحت حالی. پس از این دعا هر چه خواستی به خدا بگو و حاجت خود را طلب کن آن گاه طرف راست صورت را بر زمین می گذاری و صد مرتبه می گویی:

یا محمد یا علی یا علی یا محمد اکفیانی فانکما کافیای و انصرانی فانکما ناصرای. و بعد طرف چپ صورت را بر زمین می گذاری صد مرتبه می گویی: ادرکنی آن گاه می گویی: الغوث، الغوث، الغوث این لفظ را زیاد تکرار می کنی تا اینکه نفست تمام شود در این موقع سر از زمین بر می داری خداوند به کرمش حاجتت را بر می آورد انشاء الله تعالی. همین که مشغول آن دعا و نماز شدم از حرم بیرون شد پس از پایان انجام دستورات آن بزرگوار پیش ابوجعفر رفتم تا سوال کنم این مرد چگونه وارد شد، درها را مانند اول بسته دیم، در شگفت شدم با خود گفتم شاید درب دیگری هست که من خبر ندارم. نزد ابوجعفر رفتم جریان را به صورت گله گفتم، پاسخ داد درها

همـان طور بسـته است و من بـاز نکردم ولی به این موضوع که تعریف می کنی آن آقـا مولاـی مـا صاحب الزمان علیه السـلام است. مکرر در مثل چنین شبی هنگام خلوت بودن حرم آن بزرگوار را دیـده ام. ابوالحسـین می گوید: اندوهگین شدم که چرا امام علیه السـلام را نشـناختم و این سـعادت پر ارج را از دست دادم. از حرم موسـی بن جعفر و جواد الائمه علیها السـلام بیرون آمدم در حالی که رفع گرفتاریم شد و به بهترین صورت به حاجت خویش رسیدم. (۱).

وظایف ما در زمان غیبت امام علیه السلام

۱- ندبه و استغاثه به او :

تردیدی نیست که واسطه فیض بین ما و پروردگار وجود نازنین حضرت بقیه الله روحی له الفداء است و اگر در زندگی مشکل و گرفتاری داشـته باشـیم و یا نداشـته باشیم توسل و ندبه بر در آستان آن گرامی ضرورت دارد. پاکدلان و انسانهای شایسته به آن بزرگوار عشق می ورزند و همواره در استغاثه و دعا هستند تا شاید توفیق دیدارش و ان شاء الله درک محضرش را در زمان ظهور پیدا کنند. در این رابطه دعای ندبه را در چهار عید فطر، قربان، غدیر و روز جمعه می خوانند و می گویند که: عزیز علی ان اری الخلق و لا تری و لا اسمع لک حسیسا و لا نجوی

چقـدر سـخت است برای من که هر صـحبی دیده باز کنم همه را ببینم و ترا نبینم و حتی صدایی از تو به طور آهسـته به گوش من نرسد.

ص: ۱۹

۱- فرج المهموم سید بن طاوس، ص ۲۷۴

و دعای عهـد را هر صـبح می خواننـد بدین امید که از یاوران قائم علیه السـلام باشـند و اگر پیش از ظهور آن بزرگوار بمیرند رجعت نموده و از یاران حضـرتش گردنـد. اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعه له فی عنقی لا احول عنها و لا ازول ابـدا. پروردگارا من در صـبح همین روزم و تمام ایامی که در آن زنـدگانی کنم با او تجـدید می کنم عهـد خود و عقـد بیعت او را که بر گردن من است که هرگز از این عهـد و بیعت بر نگردم و تـا ابـد بر آن ثابت قـدم بـاشم. اللهم ان حـال بینی و بینه الموت الـذی جعلته علی عبـادک حتمـا مقضـیا فـاخرجنی من قبری موتزرا کفنی شـاهرا سـیفی مجردا قناتی ملبیا دعوه الـداعی فی الحاضـر و البادی پروردگارا اگر میان من و آن حضـرت مرگ که بر تمام بنـدگانت قضای حتمی قرار داده ای جدایی انداخت پس مرا از قبر برانگیز در حالی که کفنم را لباس خود کرده و شمشـیرم را از نیام برکشـیده و لبیک گویان دعوتش را که بر تمام مردم شهر و دیار عالم لازم الاجابه است اجابت کنم.

من بینواز بی برگ و بری اگر بمیرم

سر پر ز شور از خاک در تو بر نگیرم

بغلامت درت مفتخرم مرانم از در

که بجز در تو حاشا در دیگری پذیرم

شده سینه ام ز سینای غمت ز ناله چندان

که عجب نباشد ار عرض بنالد از نفیرم

۲- انتظار فرج

روایاتی با این مضمون به دست ما رسیده که افضل العباده

ص: ۲۰

انتظار الفرج، انتظار فرج حضرت بقیه الله علیه السلام برترین عبادت است. (۱) انتظار الفرج من اعظم الفرج، در انتظار فرج بودن از بزرگترین فرج است. (۲) انتظار ظهور امام زمان علیه السلام علامات و نشانه هایی دارد که با حفظ آنها مصداق خارجی پیدا می کند. اول اینکه شخص منتظر همانند همه منتظران فکر و ذکرش متوجه فرد مورد انتظار باشد و او را از یاد نبرد. دوم، کسی که انتظار فرج حضرت مهدی علیه السلام را دارد باید سعی و تلاش کند که قبل از ظهور آن گرامی خود را اصلاح کند، از گناه توبه نماید و به اعمال صالحه و رفتار پسندیده خود را زینت بخشد تا لیاقت و شایستگی مصاحبت و درک حضور حضرت را پیدا کند. سوم، انتظار بدان معنی نیست که دست روی دست بگذاریم و هیچ گونه احساس مسولیت نکنیم و بگوییم که آقا تشریف می آورند و کارها را درست می کنند و بدون شک منتظر واقعی کسی است که تا می تواند امر به معروف و نهی از منکر نماید، جلوی ظلم و بیداد را بگیرد و به بهانه انتظار از هیچ تلاش و جهاد در راه سازندگی خود و جامعه کوتاهی ننماید.

محبت خود را نسبت به حضرت اظهار نمودن

انسان هر که را دوست داشته باشد در حقش دعا می کند، برای حفظ جانش از بلیات و حوادث آسمانی و زمینی صدقه می دهد در مشاهد مشرفه و اماکن مقدسه به نیابت از او عبادت و زیارت می کند، و دقیقا سزاوار چنین است که دوستان و عاشقان حضرت مهدی روحی له الفداء به بهانه های مختلف محبت خود را به آن گرامی ابراز دارند. گاه در قالب

۱- ینابیع الموده، ص ۴۹۳.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

دعا و گاه هنگام دادن صـدقه و گاهی هم در مراسم حـج و زیارت قبور اجداد طاهریینش، تا شاید یاد و ذکر او باعث نورانیت و قبولی عمل گردد. ناگفته نماند در صورت ایمان و اعتقاد، ذکر صـلوات و نذر آن برای سلامتی حضرت بقیه الله گره گشای بسیاری از مشکلات است که این حقیر به تجربه برایم ثابت شده است.

تا دل آشفته ام شیفته روی تست

هر طرفی رو کنم روی دلم سوی تست

بگرد بیت الحرام طواف بر من حرام

ای صنم خوشخرام کعبه من کوی تست

دل ندهم از قصور به صحبت حسن حور

بهشت اهل حضور صحبت دلجوی تست

زنده لعل لبت خضر و نباشد عجیب

چشمه آب حیات قطره ای از جوی تست

راهزن رهروان غمزه فتان تو

دام دل عارفان سلسله موی تست

سوز و گداز جهان از غم غمازیت

راز و نیاز همه در خم ابروی تست

طایفه ای مست می، مست هوا فرقه ای

منتقر بینوا مست هیاهوی تست

معرفت و شناخت او

من مات و لم یعرف امام زمانه مات میته الجاهلیه هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد همانند مردم زمان جاهلیت

مرده است. (۱) من مات عارفا لامامه کان کمن هو مع القائم علیه السلام فی فسطاطه هر کس بمیرد و آشنای به مقام امام خویش باشد مثل کسی است که همراه و همنشین حضرت قائم علیه السلام در خیمه اوست. (۲) پایه و اساس معرفت به آن بزرگوار را این مسائل تشکیل می دهد. کسب مقام امامت در طفولیت، اختفاء ولادت و دوران کودکی، غیبت صغری و کبرای حضرت، نواب خاص در زمان غیبت صغری و نواب عام و زعامت مسلمین در غیبت کبری، اعتقاد به علم و عصمت امام، طول عمر و ادامه زندگی حضرت، امتحان شیعیان در زمان غیبت، فیض رسانی او در هنگام غیبت و در هنگام ظهور و حکومت، بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد و اگر یک روز از جهان باقی مانده باشد او خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

چهار نایب خاص امام علیه السلام

ابوعمرو عثمان بن سعید

او مورد اعتماد مردم، گران قدر و وکیل امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام بود و به امر امام زمان علیه السلام متصدی کفن و دفن امام عسکری علیه السلام گردید. عثمان بن سعید برای مصون ماندن از ماموران خلیفه زمان به شغل روغن فروشی روی آورد تا گمان آنها را نسبت به خود در خدمت به امام علیه السلام برطرف نماید. و زمانی که تماس با امام عسکری علیه السلام برای شیعیان مشکل بود اموال توسط او برای امام ارسال می شد و جناب عثمان بن سعید اموال را در ظرفهای روغن می ریخت و نزد امام می برد. (۳).

۱- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۲.
۲- سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۲.
۳- بحار ج ۵۱، ص ۳۴۶.

عثمان بن سعید پس از امام حسن عسکری علیه السلام به فرمان امام مهدی علیه السلام به وکالت و نیابت ادامه داد و شیعیان مسائل خود را نزد او می بردند و پاسخ امام علیه السلام توسط او به مردم می رسید. (۱).

محمد بن عثمان

او نیز همانند پدر از بزرگان شیعه و مورد اعتماد و احترام بود. شیخ طوسی رضوان الله تعالی علیه می فرماید: شیعه بر عدالت و تقوی و امانت او اتفاق داشتند. ابوعلی احمد بن اسحق می گوید از امام حسن عسکری علیه السلام سوال کردم احکام دین خود را از چه کسی بگیرم و گفته چه کسی را بپذیریم؟ فرمود: العمری و ابنه ثقتان فما ادیا الیک فعنی یودیان و ما قالا لک فعنی یقولان فاسمع لهما و اطعهما فانما الثقتان المامونان. عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد بن عثمان هر دو موثق اند، هر چه آنها به تو برسانند از من می رسانند و آنچه به تو بگویند از جانب من می گویند. پس از آنها بشنو و اطاعت کن، چه که آنها موثق و امین هستند. (۲) پس از درگذشت نائب اول حضرت مهدی روحی له الفداء عثمان بن سعید توفیعی از جانب آن گرامی در مورد وفات او و نیابت فرزندش محمد بن عثمان صادر شد که بخشی از آن چنین است: انا لله و انا الیه راجعون، در برابر فرمان او تسلیم و به قضای او راضی هستیم، پدرت سعادتمند زیست و پسندیده در گذشت، خداوند او را رحمت کند و به پیشوایان و سرورانش علیهم السلام ملحق سازد، هماره در کار آنان جهد می ورزید و در آنچه موجب تقرب به خدای عزیز و جلیل و پیشوایان

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۴۴.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۴۸.

بـود می کوشـید، خداونـد روی او را شـاد و شـاداب دارد و از لغزشـش در گـذرد. خداونـد پـاداش ترا بزرگ دارد و به تو در مصیبت آرامش نیکو عطا فرماید، تو مصیبت زده شدی و ما نیز مصیبت زده شدیم، و مفارقت او ترا و ما را به مصیبت تنهایی و از دست دادن او مبتلا ساخت، خداوند او را به رحمت خود در جایگاه و آرامگاهش مسـرور سازد، و از کمال سـعادت پدرت بود که خداونـد فرزنـدی چون تو را به او عنایت کرد که پس از او جانشـینش گردی و در امورش قائم مقام او باشـی و برایش طلب رحمت و آمرزش نمایی، و من خدای را سـپاس می گزارم، همانا دلها به مکان و منزلت تو و به آنچه خدا در تو و نزد تو قرار داده شاد و خشـنود است، خداوند ترا یاری فرماید و نیرومند و اسـتوار سازد و موفق بدارد، و سـرپرست و مراقب و نگهبان تو باشد. (۱) عبـدالله بن جعفر حمیری می گوید: از محمد بن عثمان پرسـیدم صاحب الامر را دیده ای؟ فرمود: آری، و آخرین ملاقاتم با او کنار بیت الله الحرام بود که می گفت: اللهم انجز لی ما وعدتنی، بار پروردگارا به آنچه به من وعده داده ای انجام ده. و نزدیـک رکن یمـانی مقابـل کعبه آن گرامی را می دیـدم که می گفت: اللهم انتقم، بی اعـدائی، پروردگـارا از دشـمنانم انتقام بگیر. و هر سال در موسم حـج آن بزرگوار حاضـر می شود، او مردم را می بینـد و می شـناسد و مردم او را می بینند ولی نمی شناسند. (۲)پیش از مرگ محمـد بن عثمان گروهی از بزرگان شـیعه نزد او آمدنـد و محمد به امر امام زمان علیه السـلام برای سـفارت و ارتباط با امام علیه السلام ابوالقاسم حسین بی روح نوبختی را معرفی کرد و گفت: او قائم مقام من است و بعد از

۱- کمال الدین، ج ۲، ص ۱۸۸.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۵۱.

من به او مراجعه کنید. سال وفات محمد بن عثمان عمری سیصد و پنج هجری قمری بود. (۱).

حسین بن روح نوبختی

از سوی حضرت مهدی روحی له الفداء درباره حسین بن روح این توقیع صادر شد: ما او را می شناسیم خداوند تمامی خیر و رضای خویش را به او بشناساند، و به توفیق خود او را یاری نماید، از مکتوب او مطلع شد و نسبت به او وثوق و اطمینان داریم، و او را نزد ما مکان و منزلتی است که خشنودش می سازد، خداوند در احسان خویش به او بیفزاید که خدا ولی و توانای بر همه چیز است، و سپاس خدای را که شریکی ندارد و درود و سلام فراوان خدا بر فرستاده او محمد و بر خاندان او. این نامه روز یکشنبه ۶ شوال سال ۳۰۵ هجری قمری صادر شد. (۲) ابن نوح می گوید: در مصر عده ای از علمای شیعه از ابوسهل نوبختی پرسیدند چطور شد که حسین بن روح نائب امام زمان علیه السلام شد و تو نشدی؟ گفت: ائمه طاهرین علیهم السلام بهتر می دانند چه کسی را به این مقام برگزینند، من مردی هستم که دشمنان شیعه را ملاقات می کنم و با آنها در امور اعتقادی مناظره می نمایم اگر من مانند حسین بن روح مکان امام زمان علیه السلام را می شناختم شاید در موقع مناظره که در آوردن دلیلی معطل می شدم، برای اثبات مدعا جای او را به دیگران نشان می دادم، ولی حسین بن روح اگر مثلا امام علیه السلام در زیر دامان او مخفی باشد او را با آلات برنده تکه تکه نمایند دامان خود را از او بر نمی دارد و او را به دشمن نشان

۱- غیبت شیخ طوسی، ص ۳۲۷.

۲- غیبت شیخ طوسی، ص ۲۲۷.

نخواهند داد! (۱) جناب حسین بن روح مدت بیست و یک سال مقام نیابت خاصه امام زمان علیه السلام را بعهده داشت و قبل از مرگ امور نیابت را به امر حضرت بقیه الله سلام الله علیه به ابوالحسن علی بن محمد سمری یا سیمری واگذاشت و در ماه شعبان سال ۳۲۶ هجری درگذشت و قبر شریفش در بغداد است. (۲).

ابوالحسن علی بن محمد سیمری

او پس از حسین بن روح عهده دار نیابت امام زمان علیه السلام و رسیدگی به امور شیعیان بود. علی بن محمد سیمری به آنچه حسین بن روح انجام می داد اقدام نمود و وقتی عده ای از شیعیان نزد وی جمع شدند و گفتند که وکیل بعد از شما کیست؟ سخنی در این باره اظهار نداشت و گفت: مامور نیستم که کسی را بعد از خود به عنوان نائب امام علیه السلام به مردم معرفی کنم. یک روز عده ای از بزرگان در اطرافش بودند ناگاه گفت خداوند به شما در مصیبت علی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) اجر عنایت فرماید، او در این ساعت از دنیا رفت. آنان ساعت و روز و ماه را یادداشت کردند، ۱۷ یا ۱۸ روز بعد خبر رسید که در همان ساعت علی بن بابویه قمی رحلت نموده است. (۳) چند روز قبل از وفاتش نامه ای با این مضمون برای او رسید: بسم الله الرحمن الرحیم: یا علی بن محمد السمری اعظم الله اجر اخوانک فیک: فانک میت ما بینک و بین سته ایام فاجمع امرک و لا ـ توص الی احد فیقوم مقامک بعد وفاتک، فقد وقعت الغیبه التامه فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالی ذکره و ذلک بعد

۱- بحار، ج ۵۱، ص ۳۵۹.

۲- بحار، ج ۵۱، ص ۳۵۸.

۳- بحار، ج ۵۱، ص ۳۶۱.

طول الامـد و قسوه القلوب و امتلاء الارض جورا و سیاتی شیعتی من یـدعی المشاهـده الا فمن ادعی المشاهـده قبـل خروج السـفیانی و الصیحه فهو کذاب مفتر، و لا حول و لا قوه الا بالله العی العظیم. به نام خداوند بخشنده و مهربان، ای علی بن محمد سمری خداونـد در مصـیبت تو پـاداش برادرانت را عظیم دارد، تو تا شـش روز دیگر از دنیا خواهی رفت، پس امور خویش را فراهم آور و به هیچ کس وصـیت مکن که پس از تو جانشین تو شود، به تحقیق غیبت کبری واقع شد و ظهوری نخواهد بود تا آن گاه که خـدای متعال فرمان دهـد، و آن پس از مدت طولانی و قساوت دلها و پر شدن زمین از سـتم است و بزودی افرادی نزد شـیعیان من مدعی مشاهده (و ارتباط با امام غائب به عنوان نائب خاص) می شوند، آگاه باشـید که هر کس پیش از خروج سفیانی و پیش از صـیحه (خروج سـفیانی و صـیحه دو علامت از علاماتی هسـتند که نزدیک ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می شود) چنین ادعایی نمایـد دروغگو و افترا زننـده است و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم (۱) درست روز ششم آخرین سفیر خاص امام علیه السلام ابوالحسن علی بن محمد السمری از دنیا رفت و غیبت کبری آغاز گردید.

نواب عام و مراجع تقلید

با پایان یافتن غیبت صـغری که جمعا ۶۹ سال بود (و اگر مبـدا آن را میلاد امام مهدی علیه السـلام حساب کنیم ۷۴ سال بوده) غیبت کبری آغـاز شـد. در غیبت صـغری رابطه مردم بـا امـام علیه السـلام به طور کلی قطع نبود ولی محـدود بود و هر کس از شیعیان می توانست به وسیله نواب خاص حضرت با آن بزرگوار ارتباط برقرار کرده و مشکلات و مسائل خود را به عرض امام علیه السلام

۱- کمال الدین صدوق، ج ۲، ص ۱۹۳.

برساند و توسط آنان پاسخ دریافت دارد و گاهی هم برای بعضی مقدور بود که به محضر امام علیه السلام شرفیاب شوند. ولی در دوران غیبت کبری ارتباط قطع شد و مردم مکلف شدند در مسائل خود به نواب عام و مراجع تقلید و آگاهان به احکام شرع مراجعه کنند. حضرت بقیه الله علیه السلام در توقیع مبارک خویش چنین نوشتند: عذر و بهانه ای برای هیچ یک از دوستان ما در تشکیک نسبت به آنچه ثقات ما از ما نقل می کنند نیست، دانستند که ما سر خود را به آنان واگذار کردیم و به آنان دادیم. (۱) شیخ طوسی و شیخ صدوق و شیخ طبرسی رضوان الله تعالی علیهم از اسحاق بن عمار نقل کرده اند که گفت: مولای ما حضرت مهدی علیه السلام (در مورد تکلیف شیعه در زمان غیبت) فرموده است: و اما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه حدیثنا فانهم حجتی علیکم و انا حجه الله علیهم (۲) در حوادث و پیشامدهایی که واقع می شود به روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان می باشم. و نیز امام صادق علیه السلام می فرماید: و اما من کان من الفقهاء صائنا لنفسه حافظا لدینه مخالفا لهواه مطیعا لامر مولاه فللعوام ان یقلدوه (۳)هر یک از فقهاء که مراقب نفس و نگهبان دینش، و مخالف هوی و هوسش، و مطیع فرمان مولایش (یعنی ائمه علیهم السلام) باشد بر عوام لازم است

۱- المهدی، ص ۱۸۲.

۲- احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۳.

۳- سفینه البحار ،ج ۲ ، ص ۳۸۱.

که از او تقلید کنند. و مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج از امام صادق علیه السلام حدیث مفصلی را نقل می کند که عمر بن حنظله از امام صادق علیه السلام سوال نمود، آن گاه حضرت در بخشی از پاسخ چنین فرمود: من کان منکم ممن قد روی حدیثنا، و نظر فی حلالنا و حرامنا، و عرف احکامنا، فلیرضیا به حکما، فانی قد جعلته علیکم حاکما فاذا حکم بحکم و لم یقبله منه فانما بحکم الله استخف، و علینا رد، و الراد علینا کافر و راد علی الله، و هو علی حد من الشرک بالله. (۱) هر کس از میان شما احادیث ما را نقل کند و در حلال و حرام ما صاحب نظر باشد و آشنای به احکام ما باشد به حکم و فتوای او رضایت بدهید. زیرا که من ایشان را بر شما حاکم قرار داده ام و اگر ایشان حکمی را صادر نمایند و کسی آن را قبول نکند بداند که حکم خدا را سبک شمرده و در واقع ما ائمه را رد کرده و کسی که ما را رد کند کافر است و خدا را رد کرده و تا حد شرک به خدا پیش رفته است. بنابر این در زمان غیبت کبری امور مسلمین به دست ولی فقیه است و باید حلال و حرام خدا با نظر آنها بیان شود و بر کسی که به درجه اجتهاد و استنباط احکام نرسیده واجب و لازم است که از آن بزرگوار که تایید شده ائمه خاصه حضرت بقیه الله روحی له الفداء هستند تبعیت و تقلید نماید.

کلمات حکمت آمیز

انه لیس بین الله عز و جل و بین احد قرابه، و من انکرنی فلیس منی و سبیله سبیل ابن نوح

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۱.

به درستی که بین خداونـد تبارک و تعالی واحـدی از بندگانش قرابت و فامیلی وجود ندارد و هر کس منکر وجود من شود از من نیست و راه او راهی است که پسـر نوح رفت! امـا ظهور الفرج فـانه الی الله و کـذب الوقاتون. هنگام ظهور فرج را خـدا می دانـد و بس و هر که برای ظهور من وقتی تعیین کنـد دروغگو است. و انی اخرج حین اخرج و لاـ بیعه لاحـد من الطواغیت فی عنقی من زمـانی قیـام می کنم که بیعت هیـچ طـاغوتی را بر گردن نداشـته بـاشم. و امـا وجه الانتفـاع بی فی غیبتی، فکالانتفـاع بالشـمس اذا غیبهـا عن الابصار السـحاب. نوع بهره برداری از وجود من در زمان غیبت هماننـد بهره برداری از وجود خورشـید است هنگـامی که پشت ابرهـا از دیـدگان پنهان می گردد. و انی لامان لاهل الارض کما ان النجوم امان لاهل السـماء من امان اهل زمین هستم همان طور که ستارگان امان اهل آسمانند. و اکثر الدعاء بتعجیل الفرج، فان ذلک فرجکم برای تعجیل در فرج (امـام زمـان خویش) زیـاد دعا کنیـد که فرج او گشایش و فرج شـما نیز هست. انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسـین لـذکرکم بدانید که ما مراعات حال شما (دوستان و شیعیان را) می کنیم و هیچ گاه شما را فراموش نمی کنیم. فلیعمل کل امرء منکم بما یقرب به من محبتنا، و یتجنب ما یدنیه من کراهتنا و سـخطنا به گونه ای عمل کند که رفتارتان شـما را به محبت ما نزدیک کند و

کراهت و غضب ما را از شما دور نماید. (جلد دوم احتجاج ۲۶۹ - ۳۲۴) ان الحق معنا و فینا لا یقول ذلک سوانا الا کذاب مفتر و لاـ یـدعیه غیرنـا الاـ ضال غوی حق با ما و درباره ماست و کسـی جز ما نبایـد چنین ادعایی بنمایـد مگر آنکه دروغگو و افترا زننده باشد و غیر ما اگر چنین ادعایی را بنماید گمراه و فریبکار است. (۱).

گفتار معصومین درباره امام مهدی علیه السلام

قال رسول الله صـلی الله علیه و آله: المهـدی من ولدی تکون له غیبه اذا ظهر یملا الارض قسـطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما. مهـدی از فرزنـدان من غیبتی دارد و هنگـامی که ظهور کنـد زمین را پر از عـدل و داد خواهـد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شـده باشـد. عن امیر المومنین انه قـال للحسـین علیه السـلام: التـاسع من ولـدک یا حسـین: هو القائم بالحق، المظهر للـدین الباسط للعدل امیرالمومنین علیه السـلام: به فرزندش حسین علیه السلام فرمود: ای حسین نهمین پسر تو: همان کسی است که به حق قیام می کنـد، دین خدا را ظاهر می سازد و عدالت را در سـطح گیتی گسترش می دهد. قال الحسـین علیه السـلام فقلت یا امیر المومنین و ان ذلک لکائن؟ فقال علیه السـلام: ای و الذی بعث محمدا بالنبوه و اصـطفاه علی جمیع البریه و لکن بعد غیبه و حیره لاـ تثبت فیهـا علی دینه الاـ المخلصون المباشـرون لروح الیقین الـذین اخـذ الله میثاقهم بولایتنا و کتب فی قلوبهم الایمان و ایدیهم بروح منه. امام حسین علیه السلام می گوید به امیرالمومنین علیه السلام عرض کردم این مطلب که

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۱۹۱.

فرمودید محقق خواهد شد؟ فرمود: آری، قسم به آن خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث نمود و او را از میان جمیع موجوداتش برگزید این امر واقع خواهد شد. لکن بعد از غیبت و حیرتی که اتفاق می افتد. (در عصر غیبت او) کسی بر دینش باقی نمی ماند مگر مومنین مخلص و کسانی که به مرتبه یقیین رسیده اند و آنها که خداوند تبارک و تعالی پیمان ولایت ما را با ایشان بسته است و بر دلهایشان ایمان نقش بسته و موید به روحی از جانب پروردگار هستند. یک بار رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت زهرا علیها سلام فرمود: دخترم، خداوند تبارک و تعالی هفت چیز به ما داده که به احدی قبل از ما نداده است.

۱ - پیامبر ما بهترین پیامبران است و او پدر توست.

۲ - وصی ما بهترین اوصیاء است و او شوهر تو است.

۳ - شهید ما بهترین شهداء است و او عموی پدر تو حمزه است.

۴ - از ما کسی است (که خداوند به خاطر از دست دادن دو دستش در راه خدا) به او دو بال داده تا در بهشت پرواز کند.

۵ و ۶ - و از ما دو فرزند است حسن و حسین (علیهما السلام).

۷ - ((و منا و الله الذی لا اله الا هو مهدی هذه الامه الذی یصلی خلفه عیسی بن مریم ثم ضرب بیده علی منکب الحسین علیه السلام فقال: من هذا ثلاثا))

و قسم به آن خدایی که غیر از او خدایی نیست مهدی این امت از ماست، همان کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می خواند و سپس رسول الله صلی الله علیه و آله دست بر پشت امام حسین علیه السلام گذاردند و سه مرتبه فرمودند از نسل این است. قال حسن بن علی علیهما السلام: اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین ابن سیده الاماء یطیل الله عمره فی غیبته ثم یظهره بقدرته فی صوره شاب ابن دون

اربعین سنه ذلک لیعلم ان الله علی کل شی ء قدیر امام حسن مجتبی علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی می فرماید: خداوند تبارک و تعالی نهمین فرزند از فرزندان برادرم حسین فرزند فاطمه علیها سلام را در دوران غیبتش عمر طولانی عنایت نماید سپس به قدرت خویش در هنگام ظهور به صورت جوانی کمتر از چهل سال ظاهر می شود و این برای آن است که مردم بدانند که خداوند بر همه چیز قدرت دارد. قال الحسین بن علی صلوات الله علیهما: منا اثنا عشر مهدیا اولهم امیر المومنین علی بن ابی طالب و آخرهم التاسع من ولدی و هو القائم بالحق یحیی الله به الارض بعد موتها و یظهر به دین الحق علی الدین کله و لو کره المشرکون له غیبه یرتد فیها اقوام و یثبت علی الدین فیها آخرون فیودون و یقال لهم. متی هذا الوعد ان کنتم صادقین، اما ان الصابر فی غیبته علی الاذی و التکذیب بمنزله المجاهد بالسیف بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله. امام حسین علیه السلام می فرمود: دوازده مهدی از ما هستند اول آنها امیرالمومنین علی بن ابی طالب علیه السلام و آخر آنها نهمین پسر من که قیام بر حق خواهد نمود و زمین را پس از مرگ آن زنده خواهد کرد، اوست که دین حق را بر سایر ادیان غلبه خواهد داد، اگر چه مشرکان کراهت داشته باشند. برای حضرت مهدی علیه السلام غیبتی است که عده ای در آن مدت گرفتار شک و تردید می شوند ولی عده ای دیگر ثابت قدم و پا بر جا خواهند ماند. و بعضی به این گروه مقاوم می گویند که پس کی وعده الهی محقق می شود، اگر راست می گویید؟! به تحقیق کسی که بر اذیت و تکذیب دشمنان در عصر غیبت آن گرامی صبر کند همانند مجاهد مسلحی است که در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله با دشمنان اسلام جنگیده است. قال علی بن الحسین علیهما السلام: القائم منا تخفی ولادته علی الناس حتی یقولوا لم یولد

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: قائم ما ولادتش بر مردم مخفی است تا آنجا که عده ای می گویند که چنین کسی به دنیا نیامـده است. قال الباقر علیه السـلام اذا قام قائمنا وضع الله یـده علی روس العباد فجمع بها عقولهم و کملت به احلامهم امام باقر علیه السـلام فرمود: هنگامی که قائم ما آل محمـد علیهم السـلام قیام کنـد دسـتش را بر سر تمامی بندگان می گذارد و به آن طریق عقول آنها جمع و افکارشان کامل می گردد. امام صادق علیه السـلام در تاویل آیه شـریفه امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء و یجعلکم خلفـاء الارض (۱) فرمود: نزلت فی القائم علیه السـلام هو و الله المضـطر اذا صلی فی المقام رکعتین و دعـا الله فاجـابه و یکشف السوء و یجعله خلیفه فی الارض. این آیه درباره امام قائم علیه السـلام نازل شـده و او به خـدا سوگند همـان مضـطری است که وقتی در مقـام (کنـار کعبه) دو رکعت نماز می خوانـد و بعـد از خـدا طلب می کنـد و پروردگار هم دعایش را مستجاب نموده و کشف سوء می نماید و او را خلیفه و رهبر روی زمین قرار خواهد داد. عن محمد بن زیاد الازدی قـال: سـالت سـیدی موسـی بن جعفر علیه السـلام عن قول الله عز و جـل: و اسـبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه (لقمان - ۲۰) فقال النعمه الظـاهره الامـام الظـاهر و البـاطنه الامـام الغـائب فقلت له: و یکون فی الاـئمه من یغیب؟ قـال: نعم یغیب عن ابصـار الناس شخصه و لا یغیب عن قلوب المومنین ذکره، و هو الثانی عشـر منا یسـهل الله له کل عسـیر و یذلل له کل صـعب و یظهر له کنوز الارض و یقرب له کل بعید و یبیر به کل جبار عنید، و یهلک علی یده کل شـیطان مرید ذاک ابن سیده الاماء الذی یخفی علی الناس ولادته و لا یحل لهم تسمیته حتی یظهر الله عز و جل فیملا به الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما.

۱- نمل - ۶۲.

محمد بن زیاد ازودی گفت: از آقای خود موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم که معنای آیه شریفه که می فرماید: نعمتهای آشکار و پنهان خود را بر شما کامل کرد چیست؟ فرمود: نعمت آشکار امام ظاهر است، و نعمت پنهان امام غائب می باشد، محمد می گوید عرض کردم آیا در میان ائمه کسی هست که غائب گردد؟ فرمود: آری، البته از دیدگان مردم غائب است و از دلهای مومنین یاد و ذکرش غائب نیست. و او دوازدهمی ماست که خداوند تبارک و تعالی هر سختی را بر وی آسان می نماید و گنجهای زمین را برایش آشکار می سازد، دور را برایش نزدیک کرده و به دست حضرتش هر ظالم گردنکش را از پای در می آورد و هر شیطان منحرف کننده را نابود می کند. اوست فرزند بهترین زنان عالم که ولادتش مخفی است و تا خداوند امر فرج و ظهورش را امضاء نکرده حرام است نام شریفش را فاش گویند و به دست او زمین پر از عدل و داد می گردد، پس آن که پر از ظلم و جور شده باشد. قال الرضا علیه السلام: بابی و امی سمی جدی و شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه السلام... نودوا نداء یسمع من بعد کما یسمع من قرب یکون رحمه علی المومنین و عذابا علی الکافرین. امام رضا علیه السلام فرمود: پدر و مادرم فدای حضرت مهدی عج که همنام جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و شبیه من و شبیه موسی بن عمران علیه السلام می باشد... در هنگام ظهورش ندایی بلند می شود که انسانها از راه دور همان طور می شنوند که اشخاص نزدیک می شنوند، و آن ندا این است که حضرت بقیه الله روحی له الفداء برای مومنین رحمت و برای کفار عذاب است!. قال الجواد علیه السلام:... یجتمع الیه من اصحابه عدد اهل بدر ثلاثمائه و ثلاثه عشر رجلا من اقاصی الارض و ذلک قول الله عز و جل: اینما تکونوا یات بکم الله جمیعا ان الله علی کل شی ء قدیر فاذا اجتمعت له هذه العده من اهل الارض اظهر امره فاذا

اکمل له العقد و هو عشره آلاف رجل خرج باذن الله فلا یزال یقتل اعداء الله حتی یرضی الله تبارک و تعالی قال عبد العظیم: قلت له: یا سیدی و کیف یعلم ان الله قد رضی؟ قال یلقی فی قلبه الرحمه حضرت جواد علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام یاران آن گرامی از مکانهای مختلف زمین حدود سیصد و سیزده نفر به تعداد اصحاب بدر در اطرافش گرد خواهند آمد. و این در کلام خداست که می فرماید هر کجا باشید خداوند تبارک و تعالی شما را جمع کند و خداوند بر همه چیز قادر است و در آن زمان که این عده گرد آمدند، امر فرج او ظاهر می گردد و وقتی قیامش قطعش شود حدود ده هزار نفر بر آنها اضافه می شوند و آن قدر از دشمنان خدا می کشند تا پروردگار راضی شود. راوی حدیث حضرت عبدالعظیم حسنی علیه الرحمه می گوید: به امام علیه السلام عرض کردم آنها از کجا می دانند که خداوند راضی شده؟ فرمود: همان موقع که قلبشان به رحم آید. عن ابی هاشم الجعفری قال: سمعت ابا الحسن صاحب العسکر علیه السلام یقول: الخلف من بعدی ابنی الحسن فکیف لکم بالخلف من بعد الخلف؟ فقلت: و لم جعلنی الله فداک؟ فقال: لانکم لا ترون شخصه و لا یحل لکم ذکره باسمه قلت: فکیف نذکره؟ قال: قولوا الحجه من آل محمد صلی الله علیه و آله. ابی هاشم جعفری می گوید: از امام هادی علیه السلام شنیدم که می فرمود: جانشین بعد از من فرزندم حسن است اما چگونه است وضع شما در هنگام جانشین فرزندم حسن (یعنی حضرت مهدی علیه السلام)! عرض کردم برای چه فدایت شوم! فرمود: برای آنکه شما او را نمی بینید و جایز نیست اسمش را ببرید. عرض کردم پس چگونه او را نام ببریم؟ فرمود: بگوئید حجت آل محمد صلی الله علیه و آله.

ص: ۳۷

عن احمد بن اسحاق قال: سمعت ابا محمد الحسن بن علی العسکری علیه السلام یقول: الحمد لله الذی لم یخرجنی من الدنیا حتی ارانی الخلف من بعدی اشبه الناس برسول الله صلی الله علیه و آله خلقا و خلقا یحفظه الله تبارك و تعالی فی غیبته ثم یظهرهاحمد بن اسحاق گفت: از امام حسن عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: حمد خدای را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشین خود را دیدم، همان کسی که شبیه ترین مردم از نظر خلقت و اخلاق به رسول خدا صلی الله علیه و آله است و خداوند تبارك و تعالی او را در عصر غیبتش حفظ می کند تا اینکه او را ظاهر سازد. (بحار ج ۵۱ از ص ۱۰۸ تا ۱۶۱)

علائم ظهور حضرت

احادیث و روایات فراوانی از چهارده معصوم علیهم السلام درباره نشانه های ظهور حضرت بقیه الله روحی له الفداء موجود است که وضع مردم و حکومتها و حوادثی که اتفاق می افتد را تشریح می کنند. بعضی روایات از جو اجتماعی قبل از ظهور و بعضی از حوادث و اتفاقات آن زمانها سخن می گویند و در همین رابطه کتابهایی نوشته شده که از جمله کتاب شریف نوائب الدهور فی علائم الظهور تالیف علامه معاصر سید حسین میر جهانی طباطبایی دامت برکاته می باشد. مولف نزدیک به پانصد مورد از علائم و حوادث قبل از ظهور را به طور مستند نقل می نماید ولی ما چون بنای بر اختصار داریم به نام نامی حضرت مهدی علیه السلام که بنا به حروف ابجد پنجاه و نه است، به پنجاه و نه نشانه، اشاره می کنیم.

۱- اختلاف بسیار در تمام روی زمین.

۲ - خروج سفیانی که مردی از نسل یزید بن معاویه و از پلیدترین

مردم است.

۳ – خروج سید حسنی از طالقان که مردی از بزرگان شیعیان است و از ناحیه دیلمان قزوین خروج و قیام می نماید.

۴ – کشته شدن نفس زکیه پشت کوفه با هفتاد نفر.

۵ – خروج یمانی از طریق یمن.

۶ – وقوع زلزله در بغداد که بسیاری از آن به زمین فرو رود.

۷ – زنده شدن بعضی از مردگان و برگشتن ایشان به دنیا به صورتی که آنها را بشناسند و باهم رفت و آمد کنند.

۸ – باریدن بیست و چهار باران پی در پی تا زمین را پاک و شسته کند و برکات زمین ظاهر شود.

۹ – ظاهر شدن دود تیره ای بالای سرها که در چشم و در گوش و بینی های مردم رود.

۱۰– کشف حجاب و بی عفتی در زنه و شریک شدن زنها در تجارت با شوهران و تمکین نکردن زنان از شوهرانشان.

۱۱ – واقع شدن فتنه در میان شرقی ها و غربی ها.

۱۲ – ندای آسمان که برای تثبیت حقانیت حضرت علی علیه السلام و شیعیان او واقع می شود. (البته ندایی هم پس از ظهور امام علیه السلام در مکه که بسیار مهیب و رساست شنیده می شود که امام مهدی علیه السلام را با اسم و نسب به همگان معرفی می کند و به مردم توصیه می شود که با امام بیعت کنید تا هدایت یابید و مخالفت

حکم او را ننمایید که گمراه می شوید).

۱۳ – خراب شدن ری.

۱۴ – اختلاف در میان عرب و عجم و این اختلاف ادامه خواهد داشت تا سفیانی قیام کند.

۱۵ – ظهور فتنه شدید در سال پیش از ظهور.

ص: ۳۹

۱۶ – کشته شدن هفتاد هزار نفر کنار جسر بغداد که آب دجله از خون سرخ و از گند اجساد متعفن شود.

۱۷ – نزول عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان و اقتدای او در نماز به حضرت مهدی روحی له الفداء.

۱۸ – طلوع آفتاب از سمت مغرب.

۱۹ – ظاهر شدن آتشی از انتهای عدن (شاید آتش زدن چاههای نفت باشد).

۲۰ – تعطیل شدن مساجد تا چهل شبانه روز.

۲۱ – توجه بلاها به نواحی لبنان و مضطرب شدن عراق.

۲۲ – بانک ناقوس ها در ممالک اسلامی.

۲۳ – زیاد شدن مرض صرع و دیوانگی در اثر شدت فتنه و پریشانی.

۲۴ – قبل از قیام قائم علیه السلام دو مرگ سرخ و سفید واقع می شود، که مرگ سرخ با اسلحه و مرگ سفید به خاطر طاعون است.

۲۵ – موت فقهاء پی در پی.

۲۶ – ضایع کردن نمازها و پیروی کردن از شهوت ها و کم شدن امانتداری در مردم.

۲۷– بلند شدن صداهای خصومت و دشمنی در مساجد.

۲۸ – دشنام دادن اولاد به پدران و مادران و افترا زدن به ایشان و شاد شدن به مرگ آنها و زدن و آزار ایشان.

۲۹ – مساجد را جای خوردن غذاها قرار دادن.

۳۰ – کم شدن کارها خیر و کم شدن علماء حقیقی.

۳۱ – برداشته شدن برکت از سال و ماه و هفته و روزها و ساعتها.

۳۲ – و شیوع گفتگوهای نامشروع و رقصها و اقسام ساز و نوازها.

۳۳ – رشوه گرفتن قضات در حکم و ندانسته حکم کردن ایشان.

۳۴ – مستولی شدن زن بر شوهر خویش در جمیع چیزها.

۳۵ – تدریس و تعلیم علوم باطله بر خلاف دستور دین و قرآن.

۳۶ – مقاتله مسلمین با یهود.

۳۷ – کینه علماء دینی در دل گرفتن و سرزنش و بد گویی آنها نمودن و کشتن و ذلیل کردن سادات و بزرگان اصیل.

۳۸ – قرآن را با ساز و نواز خواندن.

۳۹ – ممنوع شدن عراق از دینار و جنس از طرف عجم.

۴۰ – مردها خود را شبیه زنان در آورند و زنان شبیه به مردان و بلند گذاردن گیسوان جلوی سر جوانان و مردان.

۴۱ – ساز و آواز و لهویات زیاد و کسی منع نکند و یا

جرئت نکند که منع کند.

۴۲ – کم فروشی کردن و گران فروشی نمودن.

۴۳ – سخت شدن دلها و خشک شدن چشمها و نشنیدن و بی اعتنایی به نصایح و پندها.

۴۴ – از طریق باطل و حرام کسب کنند و ربا گرفتن شغل مردم شود.

۴۵ – اعمال خیر را برای نمایش و ریا انجام دادن.

۴۶ – حج کردن ثروتمندان برای تماشا و گردش و استراحت و حج کردن مردم متوسط برای تجارت کردن و حج نمودن فقراء برای ریا و تظاهر.

۴۷ – امر به معرف و نهی از منکر کننده را سرزنش و ملامت کنند و او را نصیحت کنند که نکند.

۴۸ – مرده را با استهزاء بردارند و کسی دنبال جنازه او گریه و زاری نکند.

۴۹ – در هر سال بدعتها و شر زیاد شود، غیبت کردن به نظر مردم

شایسته باشد.

۵۰ – آیات در آسمان ظاهر شود و مردم نترسند.

۵۱ – مختصری از مالشان را در طاعت پروردگار مصرف می کنند و بیشتر آن را صرف غیر طاعت پروردگار می نمایند.

۵۲ – قبور ائمه علیهم السلام را به گلوله خراب کنند.

۵۳ – طلاق و جدایی بین زن و شوهر زیاد گردد.

۵۴ – قسم خوردن بناحق فراوان شود.

۵۵– مردم مانند اشخاص تازه مسلمان شوند.

۵۶ – دین به دنیا فروخته شود و تعارفات دروغین در بین مردم فراوان گردد.

۵۷ – مردم تابع لغزشهای علماء شوند و از علمای حقه فرار کنند.

۵۸ – مردان صورتهای خود را صاف و براق کنند.

۵۹ – قیام مردی از قم که مردم را دعوت به حق کند و با او باشند جماعتی از مردان که دلهایشان مانند پاره های آهن است در استقامت.

حوادث و وقایع قیام امام علیه السلام

آغاز قیام آن بزرگوار از مکه و کنار کعبه ما بین رکن و مقام است. پرچم و شمشیر و عمامه و پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله با او است. حضرت صادق علیه السلام می فرماید: اول من یبایع القائم جبرئیل، اول کسی که با او بیعت می کند جبرئیل است. پشت به کعبه می دهد و می فرماید: ای مردم: هر کس می خواهد به آدم و شیث بنگرد، منم آدم و شیث. هر کس می خواهد به نوح و فرزندش سام بنگرد، منم نوح و سام. هر که می خواهد ابراهیم و اسماعیل را ببیند، منم ابراهیم و اسماعیل. هر که

می خواهد موسی و یوشع را بنگرد منم موسی و یوشع. هر کس می خواهد به عیسی و شمعون نظر کند، منم عیسی و شمعون. ای مردم: هر که می خواهد به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و امیرالمومنین علیه السلام نظر نماید، منم محمد و امیرالمومنین. و هر کس می خواهد که به حسن و حسین بنگرد، منم حسن و حسین. و هر که می خواهد به ائمه از فرزندان حسین علیهم السلام نظر نماید، منم از امامان از نسل حسین. پس اجابت کنید دعوت مرا و من امروز شما را به آنچه تا کنون هشدار داده و نداده اند هشدار می دهم. (۱) یاران مخصوص امام علیه السلام سیصد و سیزده نفرند که از نقاط مختلف جهان گرد حضرت جمع می شوند و در مکه با آن حضرت بیعت می کنند. بخشی از خصوصیات یاران امام از زبان معصومین علیهم السلام چنین است: اصحاب قائم علیه السلام جوانند مگر تعداد بسیار قلیل آنها. خداوند قلوبشان را به هم الفت داده و از احدی ترس و وحشت ندارند. مردانی هستند که قلوبشان چون آهن های گداخته محکم است و هیچ گاه شک و تردید در کارهای الهی نمی نمایند. ایشان رهبان و عابد شب و شیر و قهرمان روزنند دلهایشان لبریز از خوف و خشیت الهی است، دعوت به شهادت می شوند و آنها هم تقاضای شهادت در راه پروردگار را می نمایند و شعارشان است یا لثارات الحسین انتقام گیرندگان خون حسین علیه السلام. در هنگامه ظهور حضرت مهدی علیه السلام ندایی از آسمان شنیده می شود که: ((ایها الناس، ان الله قطع عنکم مده الجبارین، و ولی الامر خیر امه محمد صلی الله علیه و آله ص: ۴۳

۱- بحار، ج ۵۳، ص ۹.

فالحقوا بمکه))

ای مردم (عـالم): خداونـد تبارک و تعالی زمان حکومت و ریاست سـتمگران و جبارین را به پایان رسانـد و ولایت و سـروری بهترین اشـخاص امت محمد صـلی الله علیه و آله را برای شـما قرار داد، به مکه هجوم آورید و به یاران (حضرت مهدی روحی له الفـداء) ملحق شویـد. ابتدا یاران خاص حضـرت یعنی همان سـیصد و سـیزده نفر خود را به مکه می رسانند و با امام خویش بیعت می کننـد. این تعداد از نقاط مختلف جهان هسـتند، از اسـکندریه چهار نفر، اصـفهان یک نفر، مصـر دو نفر، انطاکیه که شهری در سوریه است یک نفر، روستایی در طائف سه نفر، بین المقدس سه نفر، حبشه چهار نفر، دمشق سه نفر، بغداد سه نفر، سرخس دو نفر، سـمرقند دو نفر، سـلماس یک نفر، قریه ای در شیراز چهار نفر، طالقان بیست و سه نفر، قم یک نفر، کربلا سه نفر، کوفه چهـار نفر، مکه چهار نفر، نجف دو نفر، نیشابور دو نفر، یمن چهار نفر. بقیه یاران آن گرامی تا سـیصد و سـیزده نفر که از شـهرها و روسـتاهای گونـاگون جهـان هسـتند و نام هر یک از ایشان در کتابها موجود است علاقمنـدان می تواننـد برای اطلاعات بیشتر به آنها مراجعه نمایند. (۱)امام علیه السلام مدتی در مکه می ماند و بعد به سوی مدینه حرکت می کند. مفضل بن عمر از امـام صادق علیه السـلام سوال کرد حضـرت مهـدی علیه السـلام با مردم مکه چه می کنـد؟ فرمود: آنها را دعوت به حکمت و موعظه حسـنه می کنـد، آنهـا هم از وی اطاعت می نماینـد. آن گاه مردی از خانـدان خود را در آنجا به نیابت خود منصوب داشته و مکه را به قصد مدینه ترک می گوید. مفضل پرسید با

۱- الامام مهدی من المهد الی الظهور ص ۴۶۶.

خانه خدا چه می کند؟ فرمود: آن را به صورت اول همانند زمان آدم و ابراهیم و اسماعیل در می آورد و هر آثاری که در مکه و مدینه و عراق و سایر مکانها از ستمگران باقی مانده باشد همه را ویران می کند. مسجد کوفه را نیز خراب کرده و بر اساس همان روزهای اولش می سازد. امام علیه السلام پس از مبارزاتی در مدینه با سپاه خود به سوی عراق و کوفه می آید، در کوفه با سید حسنی ملاقات می کند و سید حسنی و سپاهیانش با امام بیعت می کنند. مرکز حکومت حضرت مهدی روحی له الفداء کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و جایگاه تقسیم غنائم و بیت المال مسجد سهله می باشد. سپس امام صادق علیه السلام به مفضل فرمودند که: طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می رسد به طوری که خانه های آن مجاور کربلا می باشد و خداوند در آن ایام کربلا را محل آمد و رفت فرشتگان و مومنین خواهد نمود و برکت و نعمت را در آن سرازیر خواهد کرد. امام علیه السلام شرق و غرب جهان را فتح کرده و اسلام را بر سراسر جهان حکمفرما می سازد و دین را تجدید حیات می نماید به گونه ای که مردم خیال می کنند حضرت مهدی روحی له الفداء دین جدیدی آورده است. او طبق کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره اهل بیت گرامش عمل می کند، مانند جدش امیرالمومنین غذایش ساده و لباسش خشن است. در حکومت امام علیه السلام، برکات زمین آشکار و ثروت و نعمت و میوه و محصولات بسیار می شود، فقر از بین می رود و همگان در رفاه و نعمت خواهند بود که کسی برای پرداخت زکات و صدقه فقیری نمی یابد و به هر کس رجوع کند کسی از او نمی پذیرد. به شوق مجاورت با امام علیه السلام آن قدر از مومنان و پیروان در کوفه ساکن می شوند که برای گنجایش نماز گزارانی که به امام اقتدا می کنند مسجدی بسیار

وسیع بنا می کنند که هزار در دارد.

زندگی در عصر امام مهدی علیه السلام

طبق روایات رسیده و اعتقادات ما عصر امام مهدی علیه السلام از بهترین زمانها برای انسانها در روی کره زمین است. و این غلط نیست که عصر آن گرامی را عصر نور و عصر علم و عصر عدالت بشماریم. در عصر آن بزرگوار فقر و حرمان از اجتماع بشری خارج می شود، دلها از حزن و غم بیرون می رود و زندگی جهنمی تبدیل به نعمت و آرامش می شود و دیگر اثری از ظلم و ظالم دیده نمی شود، در آن ایام اسلام دینی جهانی می شود و همه گوینده لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله می باشند. خلاصه یک تحول و انقلابی عمیق و ریشه دار انجام می گیرد که همه چیز را تغییر می دهد. احکام شرعی قطعی می شود: یکی از چیزهایی که سعادت و نیکبختی جامعه بشری را تضمین می کند قوانین حاکمه در اجتماع است و خصوصا قوانین قضاء و احکام شرعیه است. در عصر امام زمان علیه السلام این خصوصیت وجود دارد که قوانین قطعی و لازم الاجراء است چرا که حضرت مهدی روحی له الفداء بر خلاف انبیاء و اجداد طاهرینش علیهم السلام مامور به باطن است یعنی آن گرامی به علم و اطلاع خویش به حوادث و وقایع حکم می کند و منتظر شاهد و ادله ای ادعاء را ثابت کند نمی ماند. و از آنجا که طبق روایات فراوان و متواتر باید زمین به دست مبارک آن حضرت پر از عدل و داد شود و از ظلم و جور پاکیزه

گردد چاره ای جز این نیست که امام علیه السلام با علم خویش عمل کند و در غیر این صورت ممکن است انسانی مرتکب جنایت و آدم کشی شود و هیچ کس از جرم او مطلع نگردد و خون طرف مقتول پایمال شده و قصاص نشود چنانکه در تاریخ زندگانی بر فراوان رخ داده، بنابر این چنین چیزی با یملا الارض قسطا و عدلا منافات دارد. امام صادق علیه السلام می فرمود: اذا قام قائم آل محمد علیه السلام حکم بین الناس بحکم داود، لا یحتاج الی بینه، یلهمه الله تعالی فیحکم بعلمه. (۱) زمانی که قائم آل محمد علیه السلام قیام کند بین مردم به حکم داود حکم می نماید، احتیاج به اقامه دلیل ندارد، خداوند تبارک و تعالی به او الهام می کند و امام علیه السلام به علم خود حکم می نماید.

کشف اسرار قرآن و معارف اسلام: همان طور که از حدیث امام باقر علیه السلام استفاده شد فجمع بها عقولهم و کملت احلامهم عصر حضرت مهدی علیه السلام عصر علم و فکر است آن هم دور از هر شائبه نیرنگ و فریب، علمی که مستقیما از کانال وحی و از طریق خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام رسیده است. آنچه از اضافات در تفاسیر قرآن و کتب فقهی موجود است کنار گذاشته شده و فقط به تفاسیر روایت شده از ائمه علیهم السلام پرداخته خواهد شد. در عصر امام زمان علیه السلام علم صحیح در هر خانه ای وارد می شود و کانونهای تحصیل و تدریس برای مردان و زنان همه جا تشکیل می گردد تا آنجا که امام باقر علیه السلام می فرمود: توتون الحکمه فی زمانه حتی ان المرئه لتقضی فی بیتها بکتاب الله و سنه رسوله صلی الله علیه و آله (۲) در دوران حضرت مهدی علیه السلام حکمت به شما داده خواهد شد در حدی

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۲- غیبت نعمانی، باب ۱۳، حدیث ۳۰، ص ۲۷۹.

که زن در خانه خودش نشسته باشد و از روی کتاب خدا و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله قضاوت کند. یکی از مسائل مهم جامعه انسانی ما مشکل اقتصادی و آنچه اطراف آن دور می زند از قبیل کمبود مواد غذایی و بی عدالتی در توزیع است. شک نیست اکثر جرائم و جنایاتی که در دنیا رخ می دهد به خاطر فقر و ضعف اقتصادی است و همین طور نزاع های خانوادگی و امراض و بیماریهایی که مخصوصا در مناطق فقیر نشین عالم در اثر سوء تغذیه بوجود می آید همگی از آثار فقر است. ولی در عصر مهدی سلام الله علیه فقر ریشه کن می شود همچنان که جد بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه و آله وعده داده است. ابشروا بالمهدی... و یقسم المال صحاحا بالسویه... حتی انه یامر منادیا ینادی: من له حاجه الی؟ فما یاتیه احد الا رجل واحد یاتیه فیساله. مژده باد به مهدی علیه السلام که او مال و ثروت را عادلانه و مساوی بین مردم تقسیم می کند تا اینکه امر می فرماید منادی ندا دهد که آیا محتاجی هست که به من رجوع نماید؟ کسی رجوع نمی کند مگر یک نفر و سپس امام مهدی علیه السلام امر می فرماید که به سراغ کلید دار بیت المال رود، آن مرد نزد خزانه دار حضرت می رود و می گوید من رسول حضرت مهدی علیه السلام برای تو هستم تا به من مال و ثروت بدهی، او پاسخ می دهد که در اختیار بگیر عطای حضرت را، آن قدر به او می دهد که قدرت حمل آن را ندارد. (۱).

توسعه کشاورزی

در هنگام حکومت حضرت بقیه الله علیه السلام از تمام زمینهای بایر برای

۱- الامام المهدی (ع)، ص ۶۰۶.

کشت و زراعت استفاده می شود به گونه ای که هیچ جای زمین خالی از سبزی و خرمی نیست. رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید: امت من در زمان حضرت مهدی علیه السلام متنعم به نعمتهایی می شوند که مثل آن نصیب هیچ گروهی نشده است، ترسل السماء علیهم مدرارا و لا تدع الارض شیئا من نباتها الا اخرجته (۱) آسمان برکتش را بر سر مردم می ریزد و زمین هر چه در دل دارد می رویاند و سبز و خرم می شود. امیرالمومنین علی علیه السلام در ضمن حدیث طولانی می فرمود: و لو قد قام قائمنا لانزلت السماء قطرها، و لاخرجت الارض نباتها... حتی تمشی المراه بین العراق و الشام، لا تضع قدمیها الا علی النبات (۲) هر گاه قائم ما قیام کند آسمان باران خود را بر زمین فرو می ریزد و زمین گیاه خود را می رویاند، تا آنجا که وقتی شخصی از عراق تا شام سفر می کند قدمش را بر هر کجا می گذارد سبز و پر از گیاه است.

امنیت عمومی حاکم است :

نعمت امنیت از نعمتهای بزرگ و ارزشمندی است که هیچ کس از آن غافل نیست، هر انسان در هر مذهب و آیینی دوست دارد که مال و جان و ناموس و آبرویش از خطر و آسیب محفوظ باشد. اگر چه این آرزو هنوز برای جوامع بشر تحقیق نیافته ولی در عصر حضرت مهدی روحی له الفداء محقق خواهد شد. امام باقر علیه السلام می فرمود: و تخرج العجوزه الضعیفه من المشرق، ترید المغرب، لا یوذیها احد (۳)

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

۳- بحار، ج ۵۲، ص ۳۱۹.

پیرزنی ضعیف از مشرق عالم به مغرب سفری می کند و مورد اذیت هیچ کس قرار نمی گیرد. و از آن مهمتر که حتی آزار حیوانات به خودشان و انسان نمی رسد. امیرالمومنین علی علیه السلام می فرمود: و ترعی الشاه و الذئب فی مکان واحد، و یلعب الصبیان بالحیات و العقارب لا یضرهم شی ء و یذهب الشر و یبقی الخیر. (۱) گوسفند و گرگ در یک مکان می چرند و بچه ها با مار و عقرب بازی می کنند. و آزاری از ناحیه آنها نمی بینند و (خلاصه آن که) شر از بین می رود و خیر می ماند.

شیعه در عصر امام علیه السلام

بدون شک قوت و نصرت از آن شیعه خواهد شد زیرا که غیر شیعه مثل ایشان چنین اعتقاداتی نسبت به ولی عصر عجل الله تعالی

فرجه الشریف ندارد. شیعه بوده که از عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله دست از ولای اهل بیت گرام او بر نداشته و در این راه بزرگترین فداکاریها و ایثارها را نموده و به همین جهت روزهای حکومت امام زمان علیه السلام روزهای عزت و آقایی اوست. امام صادق علیه السلام می فرمود: یکون شیعتنا فی دوله القائم علیه السلام سنام الارض و حکامها یعطی کل رجل منهم قوه اربعین رجلا (۲) شیعیان ما در دولت حضرت قائم علیه السلام سرفرازان و حکمرانان روی زمین هستند و هر یک نفر ایشان از جهت قوت و قدرت با چهل نفر برابرند. در حدیثی دیگر همان گرامی فرموده که: ان الله نزع الخوف من قلوب

۱- امام مهدی (ع)، ص ۶۲۳.

۲- بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

شیعتنا و اسکنه قلوب اعدائنا (۱)خداوند تبارک و تعالی ترس و وحشت را از قلوب شیعیان ما بر می دارد و در قلوب دشمنان ما قرار می دهد. امام علی علیه السلام درباره توجه شیعه به قرآن می فرمود: کانی انظر الی شیعتنا بمسجد الکوفه، قد ضربوا الفساطیط یعلمون الناس القرآن. (۲) مثل آن است که دارم می بینم که شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها زده اند و مشغول تعلیم و آموزش قرآن هستند. نکته دیگر ارتباط مستقیم و بدون واسطه امام زمان علیه السلام با شیعیان و دوستانش می باشد و بیان امام جعفر صادق علیه السلام گویای این حقیقت است. ان قائمنا اذا قام مد الله لشیعتنا فی اسماعهم و ابصارهم حتی لا یکون بینهم و بین القائم برید یکلهم فیسمعون و ینظرون الیه و هو فی مکانه (۳) زمانی که قائم ما قیام کند خداوند چشم و گوش شیعیان ما را چنان بینا و شنوا می کند تا جایی که بین آنها و حضرت قائم علیه السلام هیچ پیام آوری وجود ندارد. امام زمان علیه السلام هر کجای عالم باشد و صحبت کند آنها می شنوند و او را می بینند. اللهم اجعلنی من انصاره و اعوانه و الذابین عنه و المسارعین الیه فی قضاء حوائجه و الممتثلین لاوامره و المحامین عنه و السابقین الی ارادته و المستشهدین بین یدیه

پایان نامه

از آغاز آفرینش بشر همواره بین حق و باطل و طرفداران آنها مبارزه و

ص: ۵۱

۱- بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۲.

۲- غیبت نعمانی، ص ۳۷۴.

۳- روضه کافی، ص ۳۲۴.

نبرد وجود داشته است و یکی از پیکارهای پر شور رهبران و پیشوایان مذهبی پیکار فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. در جهان امروز که استکبار و دشمنان اسلام و بخصوص آنها که کینه دیرینه ای از جامعه تشیع دارند به تبلیغات دامنه داری علیه ما دست زده اند و عمل کرد بعضی از مسلمانان هم باعث بیزاری افراد ساده لوح از خدا و پیامبر و بطور کلی از دین شده است. ارائه سیره عملی اهل بیت علیهم السلام این نتیجه را در پی دارد که عواطف پاک این نوع اشخاص از دستبرد دزدان حقیقت و فضیلت در امان باشد. به نظر نگارنده در هر دبستان و دبیرستان و دانشگاه آشنا کردن دانش پژوهان به سیره و رفتار خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام ضروری است و به عبارت دیگر در هر آموزشگاه اعم از ابتدایی و متوسطه و سطح عالی باید رفتار فردی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی امامان معصوم علیهم السلام متناسب با ذوق و استعداد محصلین تدریس و بیان شود تا فرزندان این آب و خاک که در زوایای وجودشان مهر و محبت اهل بیت پیامبر علیهم السلام وجود دارد به اخلاق کریمه آن بزرگواران تربیت شوند. باری، خداوند تبارک و تعالی به این جانب توفیقی عنایت فرمود تا در اواخر سال ۱۳۶۸ کتابی درباره سیره عملی حضرت فاطمه زهرا علیها سلام بنویسم و آن را در اختیار مسئول محترم انتشارات فیض کاشانی قرار دادم. ایشان پس از مطالعه کتاب پیشنهاد دادند که اگر به همین سبک درباره سایر معصومین علیهم السلام نوشته شود بسیار ضروری و لازم است و این جانب با شوق و ذوق فراوان مشغول به تالیف سیره عملی اهل بیت علیهم السلام گردیدم و خدای را سپاس می گذارم که الطاف حضرتش شامل حال حقیر گردید و آخرین جزوه آن به پایان رسید، امید است که این خدمت ناچیز در پیشگاه پروردگار و چهارده معصوم علیهم السلام مورد قبول واقع شود.

ص: ۵۲

در اینجا لازم می دانم ضمن کمال تشکر و قدردانی از ناشر ارجمند به عرض خوانندگان عزیز برسانم که انتشارات فیض کاشانی رضوان الله تعالی علیه از جمله انتشارات کم نظیر در زمینه ارائه و اشاعه فرهنگ خاندان پیامبر علیهم السلام بوده و هست.

انتشارات نامبرده از روزهای نخستین انقلاب اسلامی با نام نهضت زنان مسلمان شروع به چاپ و نشر کتابهای پر محتوی و آموزنده نموده و در برابر هجوم و حملات فرهنگی که از ناحیه گروهکهای لیبرال و منافق می شد ایستاد و اکثر کتابهایی که به چاپ رسانده صد در صد مذهبی و دور از خط بازیهای سیاسی و بیشتر متوجه معارف قرآن و عترت است.

خداوند به دست اندرکاران این موسسه جزای خیر عنایت فرماید.

نهم ربیع الاول سالروز امامت حضرت

بقیه الله الاعظم امام زمان روحی و

ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء

برابر با ۲۸ / ۶ / ۱۳۷۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

